

سیاست روسیه در بحران سوریه از منظر قدرت هوشمند

احسان جعفری فر^{۱*}

حبيب اله ابوالحسن شیرازی^۲

چکیده

وقوع بحران سوریه به منزله تبدیل شدن سوریه به کانون تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی سوریه باعث شده تا این کشور تقریباً در کانون درگیری کشورهای قدرتمند قرار بگیرد و به میدان زورآزمایی تبدیل شود. در این بحران کشورهای ایران، ترکیه، عربستان، امارات، اسرائیل و همچنین روسیه، آمریکا و اروپا نقش آفرینی می‌کنند. با توجه به وجود منافع همسو، متعارض و موازی بازیگران، هر یک از آن‌ها به دنبال گسترش نفوذ و کسب حداکثر امتیازات هستند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبردهای عمده سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند چیست؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله بیانگر آن است که راهبردهای عمده سیاست خارجی روسیه ترکیبی از سیاست‌های سخت با تکیه بر قدرت هوشمند شامل استفاده از قدرت نظامی و حمایت از نقش بازیگرانی همچون ایران و ترکیه از یک سو و سیاست‌های نرم شامل مقابله با گفتمان غربی، دفاع از رژیم بشار اسد و وتوی قطعنامه‌ها، حفظ تعادل بین بازیگران در جهت مدیریت آن‌ها، ابتکار مذاکرات صلح، بازسازی ارتش سوریه و گسترش نفوذ اقتصادی و پایگاه نظامی از سوی دیگر می‌باشد. در این راستا، قدرت هوشمند روسیه سعی داشته تا با کمترین هزینه بیشترین سود را از شرایط بحرانی و دوران ثبات بشار اسد به دست آورد. نوآوری این پژوهش در نبود نمونه مشابه داخلی، استخراج داده‌های جدید برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی روسیه در سوریه و استفاده از چارچوب قدرت هوشمند است.

واژگان کلیدی: ایران، بحران سوریه، روسیه، غرب آسیا، قدرت هوشمند

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* ehsan_jafari_far@yahoo.com

۲. دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و سه، صص ۸۵-۵۷

شکل‌گیری بحران سیاسی سوریه را می‌توان در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبیین کرد. آغاز بحران به سال ۲۰۱۱ و با تظاهرات عمده علیه فساد، و کسب آزادی بازمی‌گردد. کشورهایی که بحران سوریه را یک مسئله داخلی نمی‌نگریستند معتقد بودند که این بحران یک دسیسه خارجی با اهداف مشخص است و با ورود به بحران ابعاد فراملی به آن دادند. بدین ترتیب، بحران سوریه وارد معادله بسیار پیچیده‌ای از قدرت‌های درگیر منطقه و فرا منطقه‌ای شد که میزان تشدید تعارض‌ها و رقابت آن‌ها در دو جبهه حامیان و مخالفان رژیم بشار اسد ظاهر گردید. ایران بزرگ‌ترین حامی حفظ بشار اسد است که از همان ابتدا به بحران سوریه با تردید و توطئه خارجی می‌نگریست؛ روسیه نیز که در ابتدا موضع قاطعی نداشت بعد از سال ۲۰۱۵ به صورت جدی موضع حمایت از بشار اسد گرفت و بدین ترتیب، دو کشور ایران و روسیه تلاش خود را برای حفظ بشار اسد در مقابل معارضان و شورشیان بکار گرفتند. با این حال، در عین وجود رقبای این دو کشور در عین هم سویی نسبت به حفظ بشار اسد دارای نیت و منافع جداگانه‌ای هستند. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا سیاست خارجی روسیه را از منظر قدرت هوشمند مورد بررسی قرار داده و راهبردهای آن مورد واکاوی قرار بگیرد. بررسی قدرت سخت و هم قدرت نرم منظومه بهتری از استراتژی سیاست خارجی را در قالب قدرت هوشمند روسیه خواهد نمایاند. در این راستا، پژوهش با نگاه بازتر یا به عبارتی دید عمودی به صفحه بازی استراتژی روسیه اذعان دارد که برای بررسی سیاست خارجی روسیه در سوریه نمی‌توان تنها به مسائل درون سوریه توجه داشت چراکه در یک منظومه بزرگ‌تر سیاست هوشمند روسیه در سوریه شامل استفاده از شرایط بازیگرانی است که هرکدام در داخل سوریه نیز فعال هستند؛ این شرایط شامل درگیری ترکیه با غرب، تقابل ایران با اسرائیل، مسئله اوکراین، سیاست‌ها و نگرش‌های اعراب است؛ بنابراین در این مقاله سعی خواهد شد تا به طور دقیق‌تر به این پرسش پاسخ داده شود که راهبردهای عمده سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند چیست؟ برای پاسخ به این پرسش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رجوع به سایت‌ها سیاست خارجی روسیه در چارچوب قدرت هوشمند

مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. فرضیه مقاله در پاسخ به پرسش این است که راهبردهای عمده سیاست خارجی روسیه ترکیبی از سیاست‌های سخت با تکیه بر قدرت هوشمند شامل استفاده از قدرت نظامی و حمایت از نقش بازیگرانی همچون ایران و ترکیه از یک‌سو و سیاست‌های نرم شامل مقابله با گفتمان غربی، دفاع از رژیم بشار اسد و توی قطعنامه‌ها، حفظ تعادل بین بازیگران در جهت مدیریت آن‌ها، ابتکار مذاکرات صلح، بازسازی ارتش سوریه و گسترش نفوذ اقتصادی و پایگاه نظامی از سوی دیگر می‌باشد

۵۹

رهیافت تحلیلی: قدرت هوشمند

قدرت به معنای امکان تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به‌منظور دستیابی به نتیجه مطلوب است. در تحلیل قدرت که ناظر بر توانمندی دولت‌ها است باید گفت منبع قدرت با توجه به شرایط زمانی و مکانی می‌تواند در طول زمان تغییر کند و از همین رو، برداشت‌های متفاوتی از اهمیت هر یک از آن‌ها شود (موسوی فر و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵). به نظر جوزف نای^۱، برای ترغیب بازیگر B به انجام رفتار دلخواه بازیگر A سه راه «اجبار»، «پاداش» و «جذب و اقتناع» وجود دارد. از نظر نای، قدرت سخت شامل مجازات یا پاداش (چوب یا هویج) برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و به دست آوردن نتیجه مطلوب است و می‌تواند شامل قدرت نظامی (تهدید آن)، قدرت اقتصادی (تحریم) یا حتی استفاده از نهادها باشد. از این نظر تا زمانی که یک کشور پاداش می‌گیرد یا مجازات می‌شود (تهدید می‌شود)، این قدرت سخت است که به‌کاربرده می‌شود (Seymour, 2017). این در حالی است که در مقابل قدرت سخت، تئوری قدرت نرم بر این مبنا است که اگر دولت A جذاب باشد، دولت B همان‌طور که دولت A می‌خواهد رفتار خواهد کرد به سبب اهمیت به‌کارگیری قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی جوزف نای که در ابتدا معتقد بود «قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست» ولی بعداً با درک شرایط جهان امروز و دنیای ارتباطات نظر خود را اصلاح (۲۰۰۳) و بیان کرد که قدرت نرم به‌تنهایی نمی‌تواند راهنمای سیاست خارجی باشد. (NYE, 2006) از این گفته می‌توان به این مطلب رسید که یک رابطه دوسویه و هم‌افزایی



1 Joseph Nye

بین دو قدرت نرم و سخت است و بدون وجود دارایی‌های قدرت سخت، قدرت نرم (و برعکس) به‌خودی‌خود نتایج مطلوبی نخواهد داشت (Cevik, 2019:5) بدین ترتیب نظریه جدید سیاست خارجی ترکیبی از این قدرت‌ها بر پایه مفهوم «قدرت هوشمند» است که به کشورها اجازه خواهد داد تا چارچوب منعطف‌تری برای دستیابی به منافع ملی داشته باشند. رابطه میان دو مؤلفه قدرت هوشمند، قدرت سخت و نرم، پیچیده و تعاملی خواهد بود و این دو مؤلفه جایگزین کامل همدیگر نیستند بلکه اغلب یکدیگر را تقویت می‌کنند (شامیری و همکاران، ۱۳۹۷:۳۵). همچنین گفتنی است که در عصر اطلاعات قدرت نه فقط سخت و یا نرم، بلکه ترکیبی از هر دو است که در چارچوب قدرت هوشمند بسته به شرایط و پیشامدها ممکن است به‌صورت جداگانه و یا ترکیبی بهینه و مدبرانه برای رسیدن به اهداف استفاده شود (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۸:۱۳۳).

سوزان نوسل^۱ در مقاله‌ای در نشریه امور خارجی (۲۰۰۴) نخستین کسی است که ایده قدرت هوشمند را به کاربرد و به‌عنوان شیوه‌ای عمل‌گرایانه برای پیشبرد منافع کشورها در سطح بین‌المللی معرفی کرد. به اعتقاد نوسل، منابع اجباری و اقناعی باید در یک‌جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن‌ها تداوم برتری یک کشور را در سیاست تضمین کند. از همین رو، به نظر او استراتژی امنیت ملی دولت بوش در سال ۲۰۰۲ ترکیبی از مبارزه با تروریسم و تهدیدهای پیشگیرانه در عین ترویج دموکراسی، بازارهای آزاد و تجارت بود (Diaz-wong, 2013, 22; Nossel 2004).

البته ناگفته نماند قبل از کاربرد واژه قدرت هوشمند، به‌صورت عملی می‌توان کاربرد آن را در طول ادوار و تاریخ کشورها نیز مشاهده کرد برای مثال، در طول جنگ سرد، غرب از قدرت سخت قدرت (نظامی) برای جلوگیری از تجاوزات شوروی استفاده می‌کرد، درحالی‌که از قدرت نرم برای از بین بردن ایدئولوژی کمونیسم در پشت پرده آهنین بکار می‌برد. امروزه برخی معتقدند که برای هوشمند بودن، بازیگران بر یک بعد قدرت بیشتر باید تمرکز کنند تا بتوانند انعطاف عمل بیشتری داشته باشند. برای نمونه، اروپا باید بیشتر در منابع سخت خود سرمایه‌گذاری کند و ایالات متحده باید توجه بیشتری به قدرت نرم خود داشته باشد (NYE, 2006). به‌رحال رویکرد جدید قدرت هوشمند

1 Suzanne Nossel

برای برخی که به سبب نگرانی از تأکید قدرت نرم نای، خود را در معرض بی‌توجهی به وجهه سخت قدرت و ترس از تضعیف امنیت ملی می‌دیدند سریع‌تر مورد استقبال قرار گرفت (Henin, 2008: 23).

به نظر نای نیز اهمیت این قدرت در این است که اولاً موجب به رسمیت شناختن اشکال مختلف قدرت و ابزارهایی آن در پیگیری اهداف سیاست خارجی شد. ثانیاً، از نظر وی، قدرت هوشمند نه به‌عنوان یک انتخاب بلکه یک "رویکرد" برای استفاده از قدرت به حساب می‌آید (قدرت هوشمند انتخاب قدرت سوم نیست بلکه به‌عنوان یک روش یا یک رویکرد بهره‌برداری از قدرت است که به تصمیم‌گیرندگان فرصتی برای انتخاب بهترین راه بر سر یک مسئله خاص می‌دهد). ثالثاً، قدرت هوشمند بر نهادها و مشارکت و همچنین بر شرکا و متحدان تأکید دارد زیرا قدرت هوشمند از ماهیتی برخوردار است که به‌صورت انفرادی قابل حصول نیست (شامیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵). قابل ذکر است که در تکمیل بحث آخر نای یافته این پژوهش نشان خواهد داد که وجه مشارکتی به معنای صرفاً ایجاد ائتلاف یا درجه کامل همسویی نیست بلکه استفاده بهتر از آن با توجه به شرایط است. در این مقاله نشان داده خواهد شد که چگونه روسیه در استفاده از قدرت هوشمند خود در سوریه با ترکیه دست به ائتلاف نزد اما نسبت به انجام عملیات در خاک سوریه برای هدف قرار دادن منافع آمریکا و بر هم زدن روابط ترکیه با آمریکا چراغ سبز نشان داد یا در بحث نفوذ منطقه‌ای ایران در سوریه بدون ائتلاف نظامی عملیات مشترک نظامی داشت ولی در برابر تجاوز اسرائیل علیه متحدان ایران در سوریه سکوت اختیار کرد. این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد. به‌هرحال باید گفت قدرت هوشمند نه یک صفت قدرت، بلکه روشی بهتر برای استفاده از قابلیت‌های قدرت چه نظامی و چه غیرنظامی است. قدرت هوشمند بیان‌گر استفاده ترکیبی از قدرت نرم و سخت است و استفاده هوشمندانه از قدرت مفهوم و نوع جدیدی از قدرت نیست ولی به ما کمک می‌کند تا با طیف گسترده‌ای از ابزارهای موجود - دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی و انتخاب ابزار مناسب یا ترکیبی از ابزارها متناسب با شرایط برای پیشبرد سیاست خارجی اقدام کنیم؛

در این رویکرد دو ابزار جذابیت و تهدید برای ایجاد نتیجه یا رفتار مطلوب در قدرت هوشمند مورداستفاده قرار می‌گیرد (Henin, 2008: 25). اهمیت مفهوم قدرت هوشمند زمینه تحولات وسیعی را در مفاهیم و الگوهای رفتاری بازیگران جهانی را فراهم می‌آورد. به عبارتی اگر چنانچه پیش‌تر رقابت میان قدرت‌های بزرگ به تسخیر سرزمینی بر دیگران ختم می‌شد، اکنون موارد دیگری برای این دسته از بازیگران مهم خواهد بود. مهم‌ترین این تغییرات رفتاری به تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، تسخیر افکار عمومی، گفتمان سازی‌های جدید و ارزیابی وضعیت و شرایط برای طرح‌ریزی‌های جدید در آینده مربوط است. به بیانی دیگر، رقابت در دوران کنونی از اشکال تک‌بعدی به رویکردی چند برداری و با ویژگی‌های متنوع سیاسی و جهانی تبدیل شده است (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸: ۱۷۱).

فدراسیون روسیه نیز به‌مثابه یکی از بازیگران مهم نظام جهانی و همچنین به‌واسطه برخورداری از ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به‌گونه‌ای دیگر رویکرد قدرت هوشمند را در سیاست خارجی خود تجربه کرده است. این کشور از جمله بازیگرانی بوده است که بیش از هر زمان دیگری در تاریخ خود با تحولات مهم بین‌المللی همچون فراگیری جهانی شدن، بحران‌های متعدد اقتصادی، رویش و افول بازیگران جدید در معادلات جهانی قدرت، روند رو به رشد بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و تهدیدهای نامتقارن همچون تروریسم و درنهایت همگرایی‌ها و واگرایی‌های متعدد در جغرافیای پیرامونی خود روبه‌رو بوده است (نوری، ۱۳۹۴: ۵۱)؛ بنابراین این کشور تمرکز صرف بر یک دسته از منابع و اهداف را به متنوع سازی اولویت‌ها تغییر داده است. رهبران روسیه معتقدند که می‌توانند با رویکردهای جدید موقعیت چانه‌زنی خود را در کسب سهم بیشتری از نظم جهانی بهبود ببخشند. به گفته دیمیتری ترینین^۱، هدف سیاسی روسیه مهندسی راه‌حل صلح است که از منافع روسیه در سوریه و منطقه وسیع‌تر محافظت می‌کند تا بتواند سیاست و روابط اقتصادی بادوامی را برای بازگرداندن روسیه به جایگاه برجسته در میان پیشروان قدرت روابط بین‌الملل ایجاد کند (Simons, 2021)؛ بنابراین، از آنجاکه به نظر رهبران کرملین، روندهای سیاست خارجی روسیه در یک بستر

1 Dmitry Trenin

عادی قابل پیگیری نیستند از همین رو، مواجهه با هریک از تحولات یادشده و تحقق اهداف و اولویت‌ها در شرایط به کارگیری یک سیاست هوشمندانه که مبتنی بر بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها و حتی محدودیت‌ها جهت رفع تهدیدها و چالش‌ها برای روسیه است، محقق خواهد شد. در چند سال اخیر، قدرت هوشمند به واسطه محتوای جامع در دستور کار قدرت‌هایی همچون روسیه نیز قرار گرفته است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

سوریه و اهمیت آن برای روسیه

دمیتری ترینین^۱، مدیر مرکز کارنگی مسکو^۲، با اسطوره‌ای نامیدن روابط میان روسیه و سوریه معتقد است که روس‌ها هیچ‌گاه برای سوریه غریبه نبوده‌اند؛ اتحاد جماهیر شوروی روابط دیپلماتیک خود را با دولت تازه استقلال یافته سوریه در سال ۱۹۵۴ آغاز کرد. تا اوایل دهه ۵۰ میلادی، سوریه که در مسیر توسعه خود، حامی گرایش سوسیالیستی بود به تدریج به یکی از مهم‌ترین شرکای اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه تبدیل شد. از ۱۹۵۵ اتحاد جماهیر شوروی به سبب خودداری سوریه از پیوستن به پیمان غرب که مورد حمایت غرب بود، کمک نظامی و اقتصادی وسیعی را به سوریه ارائه کرد (پورنقی، ۱۳۹۵: ۱۰۰)؛ اما با توجه به شرایط داخلی شوروی در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ حدود ۹۴ درصد از میزان همکاری‌های نظامی روسیه با کشورهای سوریه، عراق، لیبی و... کاهش یافت؛ به علاوه مسکو در این زمان، بیشتر از هر زمان دیگری با سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه همراهی می‌کرد هرچند دیری نپایید که رقابت ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در دهه ۲۰۰۰ آغاز و به خصوص با سیاست تهاجمی بوش و اشغال عراق در ۲۰۰۳ که واشنگتن خود را در موقعیتی برای تغییر ژئوپلیتیک خاورمیانه و اجرای طرح خاورمیانه بزرگ با بهانه مقابله با تروریسم می‌دید، تشدید گردید. این امر می‌توانست باعث شود تا به جای رژیم‌های اقتدارگرا، رژیم‌های دمکراتیک مدنظر غرب بر سرکار آیند و با توجه به نفوذ بهتر روسیه در رژیم‌های اقتدارگرا این امر به منزله تحدید زمینه حضور و قلمرو نفوذ در خاورمیانه و شمال آفریقا

تلقی می‌شد (تخشید و شجاع، ۱۳۹۸: ۳۱۵ و ۳۱۴). بعلاوه از دیدگاه مقامات کرملین، تمایل فزاینده‌ی قدرت‌های بزرگ برای «مداخله در امور داخلی دولت‌های حاکم» تنها به افغانستان (۲۰۰۱) یا عراق (۲۰۰۳) محدود نمانده است بلکه در انقلاب گل رز ۲۰۰۳ در گرجستان، انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ در اوکراین و نیز انقلاب گل لاله قرقیزستان در ۲۰۰۵ قابل مشاهده است (پورنقی، ۱۳۹۵: ۹۶-۹۵). از دیدگاه مقامات سیاسی مسکو، تحولات عربی نیز جنبش‌هایی مردمی، اما با «دست‌کاری‌ها و موج‌سواری‌های غرب» است. از نگاه کرملین، غرب به‌ویژه آمریکا از ظرفیت روندها و حوادث در بهار عربی و نیز جهت‌دهی به آن‌ها، در پی ترسیم شکل جدیدی از نقشه‌ی ژئوپلیتیک، سیاسی، امنیتی و اقتصادی در منطقه‌ی خاورمیانه است که در نتیجه‌ی آن، فضای بازی روسیه در همه‌ی این حوزه‌ها محدود خواهد شد. به بیانی دیگر، رویکرد آمریکا تغییر بلندمدت نقشه‌ی سیاسی منطقه و ایجاد خاورمیانه‌ی بزرگ‌تر بانفوذ هرچه کمتر روسیه است؛ بنابراین، این امر حوزه‌ی ژئوپلیتیک و سیاسی روسیه را تحدید و عمق راهبردی این کشور را آسیب‌پذیر خواهد کرد و مسلم است که مسکو در برابر اهداف غرب در سوریه مقاومت می‌کند (پورنقی، ۱۳۹۵: ۹۷).

به نظر کرملین امروز روسیه به‌اندازه‌ای قوی است بدون همراهی با غرب باید به بازیابی قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی خود دست زند. از همین رو، اگر قبلاً این همراهی منجر به از دست رفتن عراق و لیبی شد اما نباید در سوریه منجر به صدور مجوز دخالت به غرب گردد که به‌منزله از دست دادن آخرین حلقه از متحدان پر و پا قرص روسیه است؛ بنابراین مسئله مهم برای روسیه در قبال بحران سوریه نه شخص بشار اسد بلکه نظام سیاسی سوریه است. روسیه درصدد است که نظام سیاسی سوریه را همچنان به‌منزله نظامی که به ایفای نقش منطقه‌ای خود در راستای منافع روسیه مبادرت ورزیده، حفظ کند و آن را از هرگونه خطری که متوجه منافع روسیه می‌گردد، مصون نگه دارد. برای همین است که برای مقابله با دخالت غرب روسیه در تلاش است تا بحران سوریه را بحرانی داخلی نشان دهد (طاهری، ۱۳۹۶: ۶۶). از سوی دیگر منافع و اهداف روسیه از موضوع فرا منطقه‌ای نیز ناشی می‌شود؛ تیرگی روابط روسیه و غرب پس از حمله مسکو به شرق اوکراین و الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ منجر به آن شده است تا مسکو به‌جای

دادن امتیازات در مورد اوکراین به سوریه چشم بدوزد تا برای دستیابی به توافق بهتر درباره اوکراین از کارت سوریه استفاده کند (Kofman & Rojansky, 2018:8,11). به‌طور کلی، استراتژی سوریه در مورد مسکو با "دکترین پریماکوف"^۱، نخست وزیر سابق روسیه (۱۹۹۸-۱۹۹۹)، قابل بیان است. همان‌طور که یوجین رومر^۲ در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۹ ادعا می‌کند که بر طبق دکترین پریماکوف یک جهان تک‌قطبی تحت سلطه ایالات متحده برای روسیه غیرقابل قبول است. عنصر اصلی این دکترین عبارت است از فشار برای ایجاد جهانی چندقطبی با قدرتهای بزرگ که برای ایجاد توازن در مقابل ایالات متحده که روسیه در دستیابی به این هدف نقش اساسی را دارد. او خاطر نشان می‌کند که عملیات سوریه یک نمونه کامل از آموزه پریماکوف در عمل است (Yacoubian, 2021). بنابراین روس توانست با این دکترین حتی با داشتن منابع محدود، یک سری اهداف بسیار مهم اما محدود را به انجام رساند و خود را به‌عنوان "یک کشور کلیدی" تثبیت سازد و بر کرسی قدرت بنشیند.

مداخله روسیه در سوریه

با بررسی سابقه تاریخی و همچنین اهمیت سوریه برای روسیه در دو رویکرد نظری و میدانی در نهایت تصمیم مسکو برای درگیر شدن مستقیم در جنگ داخلی سوریه - از جمله همکاری با ایران - برای رفع نگرانی‌ها و دفع تهدیدها همراه شد. نخستین ملاحظه روسیه نگرانی شدید از این است که واشنگتن در حال آماده شدن برای سرنگونی رژیم اسد و جایگزینی آن با یک دولت متحد خود، بسیار شبیه به اقدام ایالات متحده در افغانستان در سال ۲۰۰۱، عراق در سال ۲۰۰۳ لیبی در سال ۲۰۱۱ است و بنابراین احتمال از دست دادن سوریه همچون اتفاقی که با انقلاب اوکراین در سال ۲۰۱۴ موجب ایجاد یک دولت غرب گرایانه در کیف شد، وجود دارد. دوم مسئله این است که سوریه یک متحد دیرینه و مهم برای مسکو بوده است. اتحاد جماهیر شوروی از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ حمایت و به ارتش عربی سوریه کمک نظامی کرد. این

1 Yevgeny Primakov

2 Eugene Rumer

همکاری در طول جنگ سرد ادامه داشت و امروز در دوران ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه نیز ادامه دارد. سوم، رهبران روسیه نگران بودند که سقوط اسد به دولت اسلامی، القاعده و سایر تروریست‌ها اجازه دهد تا از خاک سوریه و عراق برای جذب جنگجویان بیشتر، بهبود توانایی‌های خود و گسترش تروریسم در روسیه و اطراف آن استفاده کنند. از این گذشته، بیش از ۹۰۰۰ نفر از روسیه، قفقاز و آسیای میانه به سوریه و عراق سفر کردند تا به گروه‌های سلفی - جهادی مانند دولت اسلامی و القاعده بپیوندند (Jones, Harrington, & Bermudez, 2019).

به‌غیر از این ملاحظات نظری به‌صورت میدانی نیز شرایط برخلاف نظر روسیه پیش می‌رفت به‌طوری‌که در ماه آوریل ۲۰۱۵، اوضاع برای نیروهای اسد وخیم بود. جبهه النصره، وابسته به القاعده در سوریه، ائتلافی از مبارزان را به "ارتش فتح" ایجاد کرد که توانست نیروهای رژیم را در شمال غربی به عقب براند و مراکز عمده جمعیت در جنوب را تهدید کند. در همان زمان، داعش در سمت غرب فشار می‌آورد و شهر تاریخی پالمیرا^۱ را تصرف کرد. نیروهای اسد تحت فشار و تقریباً از همه جبهه‌ها در حال سقوط بودند... بنابراین ورود مسکو به جنگ سوریه گرچه ضرورت تاکتیکی بود اما از نظر استراتژیک نیز جاه‌طلبانه به نظر می‌رسید. یک مداخله موفقیت‌آمیز می‌توانست پیروزی در سه جبهه را به همراه داشته باشد: جلوگیری از تغییر رژیم تحت حمایت آمریکا در سوریه، خروج از انزوای سیاسی و مجبور کردن واشنگتن برای برخورد برابر با روسیه و نشان دادن اینکه روسیه قدرت بزرگی در صحنه اصلی سیاست‌های بین‌المللی است (Kofman & Rojansky, 2018:8,11). این عوامل باعث شد تا روسیه به سوریه به‌صورت عملی ورود کند.

ورود روسیه به سوریه در شرایطی اقدام جاه‌طلبانه به نظر می‌رسید که به نظر برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، در زمانی که درگیری در خاورمیانه در جریان است روسیه به دنبال ایفای نقش مؤثری در مدیریت کشمکش‌ها و درگیری‌ها خواهد بود. البته در تکمیل ایفای این نقش باید گفت که روس‌ها به فراخور وضعیت اقتصادی و توانایی نظامی امکان انجام حملات کوتاه‌مدت با دامنه نسبتاً کم را نیز دارا هستند. این یک

1 Palmyra

واقعیت است که ایالات متحده منابع نظامی و اقتصادی عمده‌ای برای هژمونی در خاورمیانه دارد اما روسیه فاقد این قدر منابع اقتصادی و نظامی است و ظاهراً در ایفای نقش مؤثر خود به‌عنوان "دولت ضروری"^۱ که قادر به انجام گفتگو با همه بازیگران اصلی منطقه است سرمایه‌گذاری خواهد کرد تا توانایی این کشور برای انجام یک دیپلماسی مؤثر مورد طرفداری نیز قرار بگیرد؛ بنابراین جهش وضعیت از "دولت ضروری" به هژمون برای روسیه بسیار سخت است به طوری که حتی با استفاده از منابع ترکیبی و قدرت سخت نمی‌تواند آن را پوشش دهد (Rumer, 2019:16)؛ اما باید هوشمندانه آن را بکار گیرد تا حداقل به دستاوردهایی برسد. این راهبردی است که والری گراسیموف^۲، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه، در سال ۲۰۱۳ در آکادمی علوم نظامی روسیه دو راهبرد را در جهت توسعه استراتژی نظامی روسیه در خارج از کشور معرفی کرده است: استراتژی اقدام محدود که در خارج از مرزهای روسیه تلاش می‌کند تا از طریق مداخلات محدود نظامی در خارج از منطقه با تهدیدات موجود علیه منافع ملی روسیه مقابله کند که شامل استفاده متمرکز از قدرت نظامی متعارف به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف ملی است (همچون اوکراین) و دوم استراتژی دفاع فعال^۳ که هدف آن خنثی‌سازی پیشگیرانه تهدیدها از طریق اقدامات فعال است؛ بر این اساس، این راهبردها می‌تواند پاسخی به مداخلات غربی یا به تعبیر گراسیموف مقابله با تهدید "اسب تروا"^۴ غرب برای نفوذ باشد (Boulegue & Polyakova, 2021) بر اساس این مباحث آنچه مورد توجه بیشتر قرار گرفته است توجه به ظرفیت‌ها و استفاده از ابزارهای نرم و سخت در سیاست خارجی روسیه یا به عبارت دیگر "قدرت هوشمند"^۵ است.

قدرت هوشمند روسیه در سوریه

بعد از فروپاشی شوروی و از اواسط دهه ۲۰۰۰، روسیه تلاش کرده است تا مفهوم قدرت نرم را به‌عنوان یک سازوکار سیاست خارجی پیاده‌سازی کند. در سال ۲۰۱۳ بود که ایده قدرت نرم به‌طور رسمی در دکترین سیاست خارجی روسیه مطرح شد و رهبران

1 Indispensable nation
2 Valery Gerasimov
3 Active defense
4 Trojan Horse
5 Smart Power

روسیه اعلام کردند که ابزار قدرت نرم به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در سیاست خارجی روسیه است. با این حال، در عمل روسیه طی دهه گذشته بارها از ابزارهای قدرت سخت خود استفاده کرده است از جمله می‌توان به موارد گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ اشاره نمود (Sergunin and Karabeshkin, 2015:347). اگرچه، چنین اقداماتی در ظاهر با پیروی رسمی روسیه از قدرت نرم در سیاست خارجی در تناقض است اما آلکسی دالینسکی^۱ معتقد است که قدرت نرم در روسیه تعریف متفاوتی دارد و آن بیشتر موضوعی است که بر اهرم‌های نفوذ تأکید می‌کند؛ بنابراین، فعالیت‌های آن کشور در محدوده اهداف قدرت نرم، به آن معنای رایجی که می‌شناسیم، قرار نمی‌گیرد (عطایی و شهیدانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

داسکالوا^۲ نیز بیان می‌کند که روسیه با نگرانی از اینکه درگیری و مداخله سایر بازیگران بین‌المللی ممکن است تهدیدی برای آرمان‌های بزرگ روسیه باشد هم از ابزارهای سخت و نرم استفاده می‌کند (Daskalova, 2015:19). بعلاوه باید گفت برخلاف غرب که به دنبال گسترش دموکراسی و ارزش‌های لیبرال به‌عنوان قدرت نرم است، دولت روسیه تا حدی محافظه‌کارانه تلقی می‌شود و از انقلاب‌ها پشتیبانی نمی‌کند. این کشور اعتقاد ندارد که جنگ‌ها و پیشنهاد برای سرنگونی دولت‌ها می‌تواند به دموکراسی منجر شود و برای بیان استدلال به حمله آمریکا به عراق یا اوضاع پس از سقوط معمر قذافی در لیبی اشاره می‌کند. از این رو، هدف نرم روسیه غالباً تضعیف اهداف بین‌المللی غربی است و عمدتاً به دخالت آمریکا در کوزوو، افغانستان، عراق و لیبی به‌عنوان فراتر از مسئولیت‌های ناتو می‌نگرد (Benammar, 2013).

بنابراین باید گفت نکوهش گفتمان غربی از مصادیق قدرت نرم روسیه بوده و سعی دارد تا معیارهای غربی را طرد کند؛ در نگاه روسیه ارزش‌های لیبرال دموکراتیک در واقع پوششی برای دخالت غرب در مسائل داخلی سایر کشورها است و بنابراین رهبران روسیه نمی‌خواهند که همچنان جدیدی از مداخله بین‌المللی در امور داخلی کشورها توسط غرب ایجاد شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد استفاده از قدرت نرم به‌تنهایی

1 Alexey Dolinsky

2 Ana Daskalova

برآورده‌کننده منافع یک کشور در سیاست خارجی نخواهد بود. روسیه مجموعه راهکارهایی را جهت انجام این مهم به کار بسته که دال مرکزی آن تأکید بر قدرت هوشمند برای مدیریت بحران بوده است یعنی هم‌زمان از ابزارها و تکنیک‌های سخت و نرم برای این نوع از مدیریت بحران بهره برده است. بر طبق نظر برچر در مورد بحران‌های بین‌المللی، هدف اصلی روسیه از مدیریت بحران سوریه سوق دادن مناقشه از خشونت به چانه‌زنی مسالمت‌آمیز و از مذاکره به سوی توافق قابل قبول برای طرفین است. به سخن دیگر تأکید بر راه‌حل‌های سیاسی دیپلماتیک چندجانبه و میانجی‌گری راهکار مدیریت بحران روسیه بوده است و به معنی این نیست که روسیه از ابزارهای سخت‌افزاری بهره نبرده باشد، بلکه روسیه کمک‌های تسلیحاتی، لجستیکی و مشاوره‌های نظامی نیز به رژیم حاکم جهت تقویت توان این رژیم و نهایتاً کمک به نوع مدیریت مسکو داشته است. در بحران سوریه روسیه به پنج روش درصدد مدیریت بحران برآمد: ۱- مدیریت سیاسی و دیپلماتیک بحران ۲- کمک‌های نظامی، تسلیحاتی و اطلاعاتی ۳- حمایت‌های مالی و اقتصادی از دولت ۴- حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی ۵- حملات هوایی کوتاه‌مدت (Fatthi and others, 2016: 38).

یکی از موفقیت‌های قدرت نرم روسیه در سوریه این بود که بتواند ایالات متحده را تا حدی از طریق انتخاب نقش میانجی‌گری بین‌المللی تا حدودی غیر لازم جلوه دهد. از سال ۲۰۱۲ تا دسامبر ۲۰۱۷، ایالات متحده روایت درگیری سوریه را از طریق مذاکرات صلح در ژنو در انحصار خود قرار داد که پایه‌ای برای ایفای نقش خود به‌عنوان یک واسطه قدرتمند بود. این امر از طریق انتخاب ذهنی و انتخاب بازیگرانی که می‌توانند یا نمی‌توانند در آن شرکت کنند انجام شد؛ اما با مذاکرات صلح به رهبری روسیه در آستانه و سوچی حضور آمریکا منقطع و در نهایت موجب غصب آن شد. در این مورد روسیه در موقعیتی قرار گرفت که نقش یک کارگزار قدرتمند در درگیری را بر عهده بگیرد. ساچکوف^۱ (در مصاحبه سال ۲۰۱۹) اظهار داشت: "مذاکرات مستمر با ایران و ترکیه بر سر جانشینی آمریکا در سوریه نشان می‌دهد که قالب آستانه بهترین مکان برای گفتگو درباره اختلافات داخلی و پیشبرد برنامه‌های مربوطه است." این نگاه در بیانیه عمومی

1 Suchkov

نماینده روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز منعکس شد: "ما این کار را [برای برقراری صلح در سوریه] در مقام ملی خود، به‌عنوان یک کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد و به‌عنوان بخشی از "تروئیکای آستانه" که بیش از هر نوع روش دیگری برای دستیابی به تنش‌زدایی در سوریه، از بین بردن تهدید تروریستی، گسترش کمک‌های بشردوستانه و ترویج روند سیاسی تلاش کرده است، انجام می‌دهیم" (Simons, 2021). بنابراین، روسیه تلاش دارد به‌عنوان یک کارگزار قدرتمند و دارای نقش برجسته ظاهر شود.

کارکردهای قدرت هوشمند در سوریه

در این بخش در سه حوزه نظامی، وتوی قطعنامه‌ها، قرار گرفتن در موضع دولت ضروری، روسیه و کمک‌های بشردوستانه و بازسازی سوریه به‌عنوان ترکیبی از قدرت سخت و نرم (هوشمند) روسیه در سوریه اشاره خواهد شد.

۱- اقدامات نظامی روسیه

قبل از مداخله، درگیری روسیه در جنگ داخلی سوریه عمدتاً شامل تأمین سلاح و تجهیزات ارتش سوریه بود. مداخله نظامی روسیه در جنگ داخلی سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵، پس از درخواست رسمی توسط دولت سوریه برای کمک نظامی علیه گروه‌های شورشی آغاز شد. این مداخله در ابتدا شامل حملات هوایی هواپیماهای روسی مستقر در پایگاه حمیمیم^۱ علیه اهدافی طبقه‌بندی‌شده در شمال غربی سوریه و علیه گروه‌های شبه‌نظامی مخالف سوری مخالف دولت سوریه از جمله ائتلاف ملی سوریه، دولت اسلامی از عراق و شام (داعش)، جبهه النصره (القاعده در سوریه) و ارتش فتح بود که بعداز آن نیروهای عملیات ویژه روسی و مشاوران نظامی در سوریه مستقر شدند. در اواخر دسامبر ۲۰۱۷ دولت روسیه گفت که نیروهایش به‌طور دائمی در سوریه مستقر می‌کند و بعداً مقامات روسی گفتند (۲۰۱۵) که جدا از مبارزه با سازمان‌های تروریستی مانند دولت اسلامی، اهداف روسیه شامل کمک به دولت سوریه در پس گرفتن سرزمین از گروه‌های مختلف ضد دولتی است که توسط ایالات متحده و مداخله آمریکا در سوریه به‌عنوان مخالفان میانه، با یک موجود هدف ژئوپلیتیک گسترده‌تر عقب راندن نفوذ

1 Khmeimim Air Base

ایالات متحده است. پوتین از تثبیت قدرت مشروع در سوریه و ایجاد شرایط ارزش سیاسی سخن گفت (SECRET-BASES, 2021). داده‌های وزارت دفاع بیان می‌دارد که در ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۲۰، بیش از ۱۳۳ هزار شبه‌نظامی در جریان عملیات روسیه در سوریه کشته شده‌اند. در طی این عملیات، نیروهای هوافضای روسیه بیش از ۴۴ هزار پرواز انجام دادند. به گفته وزارت دفاع و مقامات منطقه‌ای، روسیه ۱۴ واحد هواپیمایی و ۱۱۵ نفر از نیروهای مسلح روسیه در سوریه را از دست داده که ۶۳ نفر آن‌ها در ۲۰۱۸ بوده است. همچنین گزارش شد که حدود ۷۰ هزار سرباز روسی، از جمله ۴۶۰ ژنرال، تجربه جنگ در سوریه را داشته‌اند (Kommersant, 2020).

۷۱

۱-۱ روسیه و مدیریت عملیات شاخه زیتون

از کارکردهای قدرت هوشمند استفاده از مشارکت و ایجاد شرکا برای استفاده از نیروی دیگران و کاهش هزینه عملیات خود است؛ در پشت چراغ سبز روسیه برای عملیات شاخه زیتون (۲۰ ژانویه ۲۰۱۸) چندین اهداف استراتژیک وجود داشت. با توجه به اینکه شمال سوریه پس از پاک‌سازی از داعش، توسط آمریکا از طریق شبه‌نظامیان کرد پ.ی.د کنترل می‌شد دولت‌مردان آنکارا این شبه‌نظامیان را دشمن ترکیه و تهدیدی علیه امنیت ملی خود معرفی کردند و بارها از مقامات سیاسی واشنگتن درخواست کردند تا حمایت از این گروه را متوقف کند ولی تنها به صورت زبانی مقامات آمریکا هم‌نظر بودن خود با آنکارا را اعلام می‌کرد. دولت ترکیه که از این اقدام آمریکا به شدت عصبانی بود خبر از اقدام نظامی در شمال سوریه به منظور پاک‌سازی از شبه‌نظامیان کرد را داد. بر این اساس قبل از آغاز عملیات نظامی ترکیه در عفرین، خلوصی آکار^۱، رئیس ستاد نیروهای مسلح ترکیه و هاکان فیدان^۲، رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه به مسکو سفر و با همتایان خود دیدار کردند. در این دیدار سرگئی شویگو^۳ وزیر دفاع روسیه با نشان دادن چراغ سبز به ترکیه برای آغاز عملیات نظامی در عفرین برای آنکارا شرطی را تعیین کرد مبنی بر اینکه این عملیات نظامی در مناطق منچ و قامشلی در شرق رود فرات که در اختیار شبه‌نظامیان کرد وابسته به آمریکا است هم ادامه پیدا کند. در آن زمان سخنان

1 Hulusi Akar
2 Hakan Fidan
3 Sergey Shoygu

اردوغان و حزب حاکم ترکیه در مورد ادامه عملیات نظامی این کشور در منج و شرق فرات تصادفی نبود؛ اما ارتش ترکیه پس از تصرف عفرین و کنترل این منطقه در حال پیشروی به سمت جنوب بود که روسیه پیام توقف عملیات نظامی ترکیه را صادر کرد و اجازه نداد که ترکیه کنترل شهر تل رفعت را به دست بگیرد. روس‌ها انتظار داشتند که نیروهای ترکیه به سمت منج پیشروی کنند که این اتفاق نیفتاد و از فاکتورهای اصلی آن آمریکا بود (پاکزاد، ۱۳۹۷: ۶۴)؛ بنابراین روسیه برای اینکه آنکارا را در کنار خود حفظ کند نسبت به انجام عملیات شاخه زیتون ترکیه در منطقه عفرین در شمال سوریه چراغ سبز نشان داد.

۲-۱. روسیه و پرستیژ قدرت نظامی

یکی از اهداف کارزار نظامی روسیه در سوریه برای نشان دادن یک جایگزین موفق برای رویکرد غربی بر اساس قدرت هوشمند در درگیری‌های منطقه (به‌عنوان مثال در عراق، لیبی و یمن) است. مسکو تلاش دارد تا نشان بدهد که رویکرد غربی به‌ویژه باتجربه‌های پیشین در افغانستان، عراق و لیبی کاملاً شکست‌خورده است و رویکرد مسکو در چنین درگیری‌هایی سازنده‌تر و منطقی‌تر است و امیدوار دارد تا در نهایت سوریه یک دستاورد موفقیت‌آمیزی داشته باشد که به روسیه کمک می‌کند تا خود را به‌عنوان یک واسطه مؤثر معرفی کند به‌علاوه روسیه سعی دارد نشان بدهد که توان نظامی آمریکا با حضور روسیه کارایی خود را به‌طور کامل نخواهد داشت. این وجه پرستیژ و قدرت‌نمایی به‌عنوان یکی از فاکتورهای قدرت هوشمند باعث شد تا حتی دلایل چندی در اثبات تردیدهای آمریکا و متحدانش در مورد حمله گسترده به سوریه مطرح شود که از جمله: ۱. جنگ در سوریه ممکن است به یک هرج‌ومرج فرقه‌ای تمام‌عیار برای بی‌ثبات کردن کل منطقه منجر شود. ۲. حامیان دولت بشار اسد روسیه و ایران قدرتمند و منسجم عمل خواهند کرد. به‌طوری‌که روسیه ممکن است در برابر حمله ایالات متحده از هیچ کاری دریغ نکند اما مسکو این توانایی را هم دارد که با نزدیکی به تهران و عمل نکردن به رژیم تحریم‌ها یک دیپلماسی ضدآمریکایی را در سراسر جهان به‌طور مؤثر به‌پیش ببرد. ۳. سرنگونی بشار اسد می‌تواند موجب به قدرت رسیدن گروه‌های افراط‌گرا شود نظیر آنچه در افغانستان تحت کنترل طالبان در اواخر ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ رخ داد و بنابراین نه‌تنها

جنگ‌های فرقه‌ای در سوریه کاهش نخواهد یافت بلکه ممکن است تشدید شود (پورنقی، ۱۳۹۵: ۹۵). به‌غیراز این بعد ملاحظات نظری باید گفت درحالی‌که ایالات‌متحده بزرگ‌ترین نیروی هوایی جهان را در اختیار دارد، توانایی‌های سامانه‌های دفاع هوایی S-300 و S-400 روسیه در سوریه یک چالش بسیار واقعی برای توانایی ایالات‌متحده در میدان عمل نیز است (Lockie, 2016) در همین راستا، به گفته‌ی آدی گوزل ممداف، از افسران امنیتی سابق سازمان کا.گ. ب، ائتلاف آمریکا، انگلیس و فرانسه در دریای مدیترانه در شب ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ به‌منظور قدرت‌نمایی به سایر بازیگران در اقدام به حمله به سوریه و آزمایش نسل جدید سلاح بود. به عبارتی تدارک این عملیات اقدامی در راستای سیاست آمریکا برای به دست آوردن هژمونی از دست داده خود به‌ویژه در خاورمیانه قابل‌بیان است که برای این منظور دنبال فرصتی برای استفاده از نسل جدیدی موشک‌های خود و شکست سامانه هوایی اس-۳۰۰ روسیه در سوریه بود اما نتیجه کاملاً برخلاف انتظار ایالات‌متحده شد چراکه این نسل قدیمی پدافند هوایی (محصول دوره اتحاد جماهیر شوروی) توانست هفتاد درصد موشک‌های شلیک شده از کشتی جنگی آمریکا در دریای مدیترانه را منهدم کند (ر.ک پاکزاد، ۱۳۹۷: ۶۵) که این نتیجه به معنای پیروزی با عملیات محدود برای روسیه است

۱.۳. امتیاز استفاده از پایگاه‌های سوریه

باید گفت بندر طرطوس نمایانگر مکان نفوذ روسیه در آب‌های شرقی دریای مدیترانه است؛ تحولات سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه و همچنان در سطح بازیگری و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر زیادی دارد چراکه بندرهای بانیا و طرطوس در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا است (کریم‌خانی، ۱۳۹۵: ۸۵). همچنین حق استفاده از پایگاه طرطوس تا سال ۲۰۴۲ به سبب نزدیکی این پایگاه به ناوگان دریایی روسیه در بندر سواتوپل^۱ در جزیره کریمه، تعادل در محور دفاعی در رویارویی با ناتو و غرب ایجاد می‌کند. بعلاوه با تمدید پایگاه هوایی حمیم در لاذقیه تا ۴۹ سال آینده باعث گردید تا کل خاورمیانه و نیمی از شمال آفریقا در دسترس نیروی هوایی روسیه باشد (تخشید و شجاع، ۱۳۹۸: ۳۲۰). به نظر می‌رسد

1 Sevastopol

این پایگاه‌ها چشم روسیه در غرب آسیا و شمال آفریقا خواهند بود و از همین رو، روسیه تلاش کرد تا از بحران سوریه به نفع خود و تمدید استفاده از آن‌ها بهره بگیرد.

۱.۴. روسیه و اصلاحات نظامی در سوریه

رژیم بشار اسد با کمک شبه‌نظامیان شیعه خارجی حزب‌الله لبنان، تیپ‌های الذولفکار و ابو فاضل العباس عراقی، نیروی قدس ایران، شیعه افغانستان فاطمیون و تیپ زینبیون پاکستان توانست سقوط نکند. نقش برجسته ایران که همچون روسیه به دنبال گسترش نفوذ خود در ابعاد مختلف و مناطق متعدد سوریه است غیرقابل انکار است. ایران تقریباً در تمام مناطق سوریه با استفاده ترکیبی از شبه‌نظامیان داخلی و خارجی به دنبال حضور فعال در سوریه است و این مسئله می‌تواند به ضرر نفوذ روسیه باشد؛ به‌ویژه آنکه ایران در زمین سوریه یک کنشگر جدی تلقی می‌گردد.

مهم‌ترین فاکتور نفوذ ایران در مناطق مختلف مثل حلب، دیرالزور و الحسکه بعد نظامی است بنابراین به‌عنوان یکی از فاکتورهای قدرت ایران در میدان سوریه تلقی می‌شود. روسیه به اهمیت بعد نظامی واقف است بنابراین این کشور راه ایجاد اصلاحات نظامی در سوریه را در پیش گرفت تا بتواند برای نفوذ خود هسته نیرومندی را در ارتش جدید سوریه ایجاد کند. مسکو می‌خواهد ارتش جدید سوریه کاملاً نهادینه، غیرسیاسی، غیر ایدئولوژیک و غیرمذهبی باشد. در اواخر سال ۲۰۱۵، مسکو در اولین تلاش خود برای بازسازی ارتش سوریه و ادغام شبه‌نظامیان کمکی، سپاه چهارم را ایجاد کرد. سپاه چهارم متشکل از نیروهای مختلف ارتش و وابسته به همراه شبه‌نظامیان محلی بود؛ در سال ۲۰۱۵، ارتش روسیه همچنین به سازمان‌دهی مجدد، تجهیز و آموزش نیروهای ببر^۱ که امروز تحت نظارت روسیه هستند، کمک کرد. در حقیقت، نیروهای ببر به اولین گروه مسلح سوریه تبدیل شده‌اند که تحت کنترل مستقیم دو کشور سوریه و روسیه قرار گرفتند، این یک گام مهم برای شکستن روند سلطه سایرین بر ساختارهای نظامی سوریه است. بعداً، بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸، روسیه سپاه ۵ و ۶ را ایجاد کرد که گروه‌های مختلف مسلح دولت، شورشیان را عفو کرده و ارتش‌های فراری را به خدمت گرفت. سپس آن‌ها را در زیرساخت‌های نظامی قدرتمند تحت کنترل شدید دولت مرکزی (و

1 Tiger Forces

روسیه) ادغام کرد. روسیه در تلاش است تا قدرت خود را بر وزارت دفاع و ستاد نظامی سوریه بیشتر کند. این تلاش برای ایجاد شبکه‌ای از افسران و فرمانده‌های طرفدار روسیه و قرار دادن آن‌ها در مواضع مهم و حساس نظامی و امنیتی است که نفوذ سایرین بر ارتش سوریه را بیشتر محدود می‌کند (KHLEBNIKOV, 2020). به‌غیراز موارد بالا روسیه تلاش کرده است که با گروه‌های شبه‌نظامی الگوهای تعامل دیپلماتیک برقرار کند. با رشد منافع اقتصادی روسیه در عراق، لبنان و درگیری‌های یمن به سمت حل‌وفصل صلح، روابط مسکو با حشد الشعبی، حزب‌الله و حوثی‌ها برای آینده قابل پیش‌بینی است.

۷۵



سیاست روسیه در
بحران سوریه از
منظر قدرت هوشمند

۱. روسیه و وتو قطعنامه‌های ضد سوریه

در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ شورای امنیت با قطعنامه ۱۹۷۳ منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی ایجاد کرد که روسیه به آن رأی ممتنع داد اما دولت روسیه از اینکه ناتو بجای جلوگیری از حملات نیروهای هوایی لیبی از هدف قرار دادن نواحی غیرنظامی، به سمت هدف قرار دادن نیروهای زمینی قذافی تغییر جهت داده است، انتقاد کرد. برای همین است که پاسخ رهبران روسیه به شورش‌های خشونت‌آمیز در سوریه، باتجربه لیبی مشروط شد (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵:۳۱۵). بدین ترتیب، روسیه به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، ضمن حمایت قاطع از نظام حاکم سوریه و جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های ضد سوری در شورای امنیت و تداوم کمک‌های نظامی-تسلیحاتی به این کشور، سعی نمود اهداف و منافع خود را در بحران سوریه و در مقابل غرب دنبال نماید. اهداف و ملاحظات روسیه در حمایت از نظام کنونی سوریه شامل مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی-نظامی بوده است. اهم این اهداف عبارت‌اند از: ۱. تجارت اسلحه و حفظ نظام سوریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خریداران سلاح‌های روسی. ۲. تلاش برای جلوگیری از تکرار دوباره سناریوی لیبی در رویه بین‌المللی در مقابل متحدان حوزه نفوذ خود. ۳. تقویت جایگاه بین‌المللی روسیه به‌عنوان یک قدرت ذی‌نفوذ جهانی. ۴. حفظ سوریه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های استراتژیک خود در

خاورمیانه. ۵. جلوگیری از قدرت گیری اسلام‌گرایان تندرو در سوریه و سرایت آن به مناطق مسلمان‌نشین روسیه و قفقاز

جدول وتوی قطعنامه‌های روسیه علیه سوریه

| وضعیت | تاریخ | توضیحات |
|-------|---------------|---|
| وتو | ۴ اکتبر ۲۰۱۱ | پیش‌نویس قطعنامه‌ی تحریمی علیه سوریه که با همکاری آمریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و پرتغال تهیه شده بود. هند، آفریقای جنوبی، برزیل و لبنان چهار عضو غیر دائم شورای امنیت به این قطعنامه رأی ممتنع دادند. ۹ عضو دیگر شورای امنیت به این قطعنامه رأی مثبت دادند. باین حال، دو رأی مخالف روسیه و چین، مانع از تصویب آن شد. |
| وتو | ۸ فوریه ۲۰۱۲ | روسیه و چین به قطعنامه‌ی شورای امنیت درباره سوریه‌ی رأی مخالف دادند و آن را وتو کردند. در مقابل رأی مخالف روسیه و چین، بقیه‌ی اعضای شورای امنیت یعنی سه عضو دائم و تمامی ۱۰ عضو دائم به قطعنامه‌ی پیشنهادی درباره سوریه، رأی مثبت دادند. این قطعنامه خواستار اجرایی شدن طرح اتحادیه‌ی عرب برای حل بحران سوریه بود. این طرح از بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه می‌خواست اختیارات ریاست جمهوری را به معاونش واگذار کند. همچنین مقرر می‌داشت که در مدت دو ماه کابینه‌ی وحدت ملی تشکیل شود تا این کابینه، برای تشکیل مجلس مؤسسان جهت تدوین قانون اساسی جدید، انتخابات برگزار کردند. |
| وتو | ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۲ | نمایندگان روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه‌ی جدید پیشنهادی غرب در محکومیت دولت سوریه را وتو کردند. طبق قطعنامه‌ی پیشنهادی، در صورتی که حکومت سوریه واحدهای رزمی و ادوات سنگین نظامی را از مناطق مسکونی خارج نمی‌کرد، با اعمال تحریم‌های بین‌المللی گسترده مجازات می‌شد. استناد قطعنامه به فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، علت اصلی مخالفت روسیه |

و چین با آن عنوان شده بود. این قطعنامه در صورت تصویب، به شورای امنیت اجازه‌ی دخالت نظامی در سوریه می‌داد. در مقابل، روسیه به سه قطعنامه دیگر در خصوص بحران سوریه رأی مثبت داده است و حتی یکی را به‌تنهایی و دیگری را به همراه ایالات متحده خود پیشنهاد داد

قطعنامه ۱۴ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از ماه‌ها مذاکرات و ۲۰۴۲ آوریل اختلاف نظرها بین اعضای دائم آن، بالاخره در ۱۴ آوریل ۲۰۱۲، ۲۰۱۲ قطعنامه‌ی ۲۰۴۲ را در خصوص اوضاع سوریه تصویب کرد که بر

اساس آن بایستی ناظران بین‌المللی هر چه زودتر به این کشور اعزام شوند تا بر آتش‌بس میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح در سوریه نظارت کنند. قطعنامه‌ی ۲۰۴۲ اولین قطعنامه‌ی شورای امنیت در مورد سوریه است. پیش از آن، دو بار تلاش‌های شورای امنیت برای تصویب قطعنامه در مورد سوریه با وتوی چین و روسیه مواجه شده بود. با توجه به متن قطعنامه‌ی ۲۰۴۲ و مقایسه‌ی آن با پیش‌نویس قطعنامه‌هایی که وتو شد، می‌توان گفت که در این قطعنامه تلاش شده که تا حدی نظر روسیه نیز ملحوظ شود

۲. روسیه و حفظ روابط با اسرائیل

عملیات سوریه نمونه کاملی از آموزه پریماکوف در عمل است. روسیه با داشتن منابع محدود یک سری اهداف بسیار مهم اما محدود را به انجام رساند و خود را به‌عنوان "یک کشور ضروری" تثبیت کرد و بر کرسی قدرت نشست. روسیه برای حفظ نقش اصلی خود در سوریه سرمایه‌گذاری می‌کند که این امر مستلزم حضور ایران در زمین و جت‌های اسرائیلی در آسمان است. برای موفقیت، روسیه باید ایران، آمریکا، اسرائیل، ترکیه و رژیم سوریه را در یک بازی نگه دارد. کرملین می‌فهمد که بقای رژیم اسد منوط به حضور سپاه و گروه‌های نیابتی آن است و هرگونه احتمال درگیری روسیه و ایران به معنای یک جنگ داخلی دوباره و همچنین پایان رژیم است. به‌طور خلاصه، نه روسیه و نه رژیم سوریه درباره خروج ایران از سوریه بحث ندارند (Altaqi, 2019). باوجود

همکاری روسیه با ایران، مسکو همچنین تلاش کرده است نگرانی‌های اسرائیل درباره گسترش نفوذ و قدرت ایران را برطرف کند. این تحولات نشان می‌دهد که مسکو از فعالیت و کمک‌های ایران در سوریه حمایت می‌کند، اما برخی اقدامات نظامی اسرائیل علیه اهداف ایرانی را نیز ضمنی تأیید می‌کند. علیرغم برخی پیشرفت‌ها در همکاری، روسیه گاه‌گاهی اسرائیل را به خاطر اقداماتش در سوریه محکوم می‌کند. به‌عنوان مثال، در ژوئیه ۲۰۱۹، روسیه به‌طور علنی یک سری حملات اسرائیل را انتقاد کرد و گفت که آن‌ها به‌شدت حق حاکمیت سوریه را نقض می‌کنند (Jones, Harrington, & Bermudez, 2019). هرچند روابط اسرائیل و روسیه ممکن است یک همکاری نزدیک باشد، اما اختلاف‌نظرهای عمیق در مورد آینده سوریه، پرونده هسته‌ای ایران، فروش اسلحه روسیه به منطقه و مسئله فلسطین وجود دارد. اگرچه اسرائیل کاملاً امیدوار نیست که اهرم فشار مسکو بر اسد بتواند به بیرون راندن ایرانیان از سوریه کمک کند، اما عمدتاً به ابتکار عملیات خود اعتماد می‌کند و از حضور نظامی آمریکا در آنجا نیز حمایت می‌کند (Borshchevskaya, Wajeeh, Rakov, & Sim, 2021).

همچنین اسرائیل تلاش داد تا خود به عملیات نظامی در فضای سکوت روسیه دست بزند که به سبب عدم واکنش روسیه حتی اسرائیل دست به تبلیغات گسترده از توانمندی مهار خود و مقابله با تهدید صحبت می‌کند؛ این در حالی است که آژانس خبری فدرال روسیه می‌نویسد: "توجه داشته باشید که رسانه‌های غربی به‌طور منظم در مورد برخی از برتری‌های گسترده سلاح‌های اسرائیلی گزارش می‌دهند، که گویا به پدافند هوایی روسیه اجازه نمی‌دهد موشک‌ها و هواپیماهایی را که توسط این کشور استفاده می‌شود، نابود کند." اما دیمیتری دانیلوف، رئیس دپارتمان امنیت اروپا موسسه اروپا از آکادمی علوم روسیه و استاد انستیتوی روابط بین‌الملل دولتی مسکو بیان می‌دارد که سامانه‌های دفاع هوایی روسیه مستقر در سوریه موشک‌های اسرائیلی را به دلایل سیاسی ساقط نمی‌کنند چراکه اسرائیل را نمی‌توان به‌عنوان یک دشمن نظامی روسیه در نظر گرفت (UAAWIRE, 2020). باید یادآور شد که توافق بر سر سامانه اس-۳۰۰ معامله‌ای بود که در سال ۲۰۱۳ با سوریه امضا شده بود، اما اسرائیل به مذاکره با روسیه پرداخت و روسیه تصمیم گرفت که تحویل این واحدها را متوقف کند. اما پس از سرنگون شدن

هوایمای روسی روسیه در ۲۰۱۸ تصمیم گرفت خلاف آن توافق با اسرائیل اقدام کند. این در حالی است که از زمان مداخله روسیه در جنگ سوریه در سال ۲۰۱۵، روسیه به‌طور کلی چشم خود را از حملات اسرائیل در داخل این کشور بسته است (به گفته مقامات اسرائیلی طی دو سال گذشته حدود ۲۰۰ حمله هوایی انجام داده است)، بعلاوه اسرائیل و روسیه برای جلوگیری از درگیری نیروهای هوایی آن‌ها در آسمان سوریه، خط ویژه تلفنی برقرار کرده‌اند (ALJAZEERA, 2018).

حتی واکنش روسیه در قبال سرنگونی هوایمای روسی با آنچه اتفاق مشابه توسط ترکیه بود یکی نیست. ترکیه یک جت روسی را در نوامبر ۲۰۱۵ سرنگون کرد که عواقب کوتاه‌مدت و تنش در روابط را در برداشت، اما متعاقباً ترکیه در تلاش برای حل بحران سوریه مجدد به مسکو نزدیک شد. اما در مسئله اقدام اسرائیل رئیس‌جمهور پوتین با اشاره به "اتفاقی بودن شرایط" نسبت به سرنگونی هوایمای روسی توسط اسرائیل تصمیم متفاوت و غیر تنش‌آمیز گرفت (Marcus, 2018). با این حال روسیه برای قرار گرفتن در موضع میانه بین اسرائیل و حزب‌الله سعی دارد به‌عنوان یک نیروی سازنده در سیاست و امور منطقه‌ای باشد. در همین راستا، سفیر روسیه در لبنان در حمایت از حزب‌الله بیان می‌دارد: "حزب‌الله وارد جنگ علیه تروریسم در سوریه شده است" او همچنین بیان کرد: "حزب‌الله با جلوگیری از بی‌قانون شدن سوریه مانند لیبی، از ثبات لبنان محافظت می‌کند". به نظر برخی از آنجا که اتحاد حزب‌الله پارلمان لبنان را کنترل می‌کند، رویکرد روسیه ناشی از آن است که شرکت‌های انرژی روسی مانند گاز پروم، لوک اویل و روس نفت می‌توانند در مقایسه با هم‌تایان اروپایی خود برای دستیابی به بخش‌های نفت و گاز لبنان، موقعیت خوبی داشته باشند. علاوه بر این، حزب‌الله روسیه را به‌عنوان پل خود برای ورود به کشورهای ضد غربی در سراسر جهان می‌داند و تلاش کرده است از توافق چین و روسیه در مورد مسئله تروریسم برای تأمین کمک‌های بشردوستانه استفاده کند (Ramani, 2021).

۴. روسیه و کمک‌های بشردوستانه و بازسازی سوریه

با توجه به تلاش روسیه برای ایفای نقش ناظر توزیع کمک در بحران، انتظار می‌رود که تعهدات کمک بشردوستانه روسیه در سوریه قابل‌توجه باشد، اما واقعیت عکس آن است. سازمان ملل تخمین زده است که برای تأمین کامل نیازهای بشردوستانه سوریه برای حداقل ۱۶.۵ میلیون سوری در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار موردنیاز است و روسیه در کل ۲۳.۳ میلیون دلاری کمک کرده است. در مقابل، کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی از سال ۲۰۱۱ تاکنون حدود ۹۰٪ کمک‌های بشردوستانه به سوری‌ها ارائه کرده‌اند (بیش از ۱.۵ میلیارد دلار) با این حال نه تنها میزان کمک روسیه کم بوده است بلکه مسکو گاهی از انحراف این کمک‌های احتمالی به نفع گروه‌های جهادی شکایت کرده است (Thepaut & Wilder, 2021).

بنابراین می‌توان گفت روسیه در راستای ایجاد تصویر مثبت از خود به‌عنوان یک ناظر کمک‌رسانی به سوریه از خود وجه فعال و علاقه‌مند به کمک‌های بشردوستانه نشان می‌دهد اما در عمل کمک‌ها توسط دیگران پرداخته می‌شود. سازمان ملل تخمین زده است که هزینه بازسازی سوریه حدود ۲۵۰ میلیارد دلار و کمک‌های خارجی روسیه تقریباً بیش از ۱ میلیارد دلار در سال است. این در حالی است که دولت‌های غربی مایل به تأمین بودجه بازسازی نیستند مگر اینکه رژیم اسد تحت اصلاحات اساسی دموکراتیک قرار گیرد. بنابراین روسیه به سمت کشورهای عربی متمایل شده است و با وجود رقابت روسیه با ایران بر سر نفوذ در سوریه و همچنین تمایل مسکو برای به دست آوردن بودجه بازسازی از منابع ضد ایرانی در خلیج عرب این امر دلیل خوبی برای مسکو است تا از گسترش نفوذ ایران در سوریه جلوگیری کند، به‌ویژه آنکه اکنون از بقای رژیم اسد اطمینان بیشتری دارد. از طرفی برای رقابت با ایران نیز نیازی به اقدام روسیه علیه ایران و متحدانش نیست، زیرا اسرائیل این کار را از طریق حمله به نیروهای ایرانی و حزب‌الله در سوریه انجام می‌دهد (Katz, 2021) و به تهران اجازه دادند تا یک حضور نظامی سخت در سوریه ایجاد کند (KHLEBNIKOV, 2020).

نتیجه گیری

قدرت نرم به رفتارهایی همگرا و انتخابی تمایل دارد، اما قدرت سخت به رفتارهای مطیعانه و اطاعت از دستورات اشاره دارد. آن‌ها در مواقعی یکدیگر را تقویت و در مواقعی هم مداخله‌جویانه با یکدیگر رفتار می‌کنند. بنابراین با درک جهان امروز باید گفت استفاده هم‌زمان از دو قدرت در پیشبرد سیاست خارجی کشورها ضروری به نظر می‌رسد. قدرت هوشمند واژه‌ای است که از سال ۲۰۰۴ به صورت یک رویکرد سیاست خارجی بکار گرفته می‌شود. کسانی که از ضعف در امنیت ملی می‌ترسیدند و از جنبه "نرم" اصطلاحات قدرت نای احساس ناراحتی می‌کردند، از این رویکرد جدید استقبال کردند. در خصوص بحران سوریه باید گفت سیاست هوشمند تعبیر بهتری برای درک سیاست خارجی روسیه است. اینکه روسیه به چه طریقی در مسئله سوریه اقدام به مدیریت بحران کرده است. قدرت نرم روسیه بر استفاده از روش‌هایی که بتواند با اطلاعات هوشمند و اهرم‌های نفوذ برای ترغیب دیگران به اهداف خود دست یابد ترکیه که روابط نزدیکی با غرب دارد بر اثر تنش‌هایی که بین آن با ایالات متحده به ویژه بر سر حمایت آمریکا از شبه‌نظامیان کرد شمال سوریه به وجود می‌آید تصمیم به اقدام نظامی علیه این شبه‌نظامیان می‌گیرد و روسیه در این میان چراغ سبز حمایت خود نشان می‌دهد تا بتواند روابط ترکیه با غرب را در تنش نگه‌داشته و از اهرم ترکیه علیه منافع آمریکا کند. از سوی دیگر روسیه می‌کوشد تا تصویر مثبتی از خود به نمایش بگذارد از همین رو خود را به عنوان نیرویی که حضورش در سوریه ضروری است و به عنوان "دولت ضروری" عرضه کرد. عملیات نظامی اسرائیل در سوریه حتی باهدف قرار دادن مواضع مورد حمایت ایران همیشه با چشم‌پوشی روسیه همراه بوده است به جز زمانی که در ۲۰۱۸ هواپیمای روسیه با عملیات اسرائیل و استفاده پوششی از آن توسط سوریه سرنگون می‌شود و منجر به تصمیم روسیه برای استقرار سامانه پدافند هوایی جدید می‌کند. از طرفی واکنش تند روسیه بعد از سقوط جنگنده در سال ۲۰۱۵ توسط ترکیه با همان واکنش نسبت به اسرائیل که از جنگنده روسی برای عملیات خود استفاده کرد یکی نیست. دلیل این است که روسیه اهداف مهم‌تری دارد و آن تضعیف و تحلیل نفوذ و قدرت سایر بازیگران دخیل بدون درگیری مستقیم با آن‌ها و در عین بالا بردن جایگاه

خود است. چشم‌انداز روسیه عدم‌مداخله‌ی نظامی غرب در سوریه بود که آن را توانست با نكوهش عملیات غرب در عراق و لیبی و ایجاد تردید نسبت به حمله به سوریه با حضور خود دست یابد. منافع روس‌ها تقویت موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه و تحقق امنیت ملی روسیه است که با شیوه‌هایی چون تقویت استقرار خود در بلندمدت، بازسازی ارتش سوریه و کسب بیشترین سود با کمترین هزینه و تلفات چه به صورت نظامی و چه اقتصادی بوده است.

منابع

- نای، جوزف (۱۳۹۳)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، نشر نی، تهران.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۴)، روسیه شناسی، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۸)، روسیه و تحریم‌های غرب، انتشارات دولتمرد، رشت.
- پاکزاد، حسین (۱۳۹۷)، بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران سوریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین.
- طاهری، سجاد (۱۳۹۶)، بررسی دلیل نارضایتی مردم از حکومت سوریه، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی گرایش روابط بین‌الملل، دانشگاه پیام نور قزوین
- تخشید، محمدرضا، شجاع، مرتضی (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، "حفظ قلمرو نفوذ: تبیینی بر سیاست خارجی روسیه در برابر بحران سوریه"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۲۱، صص ۳۲۵-۳۰۹
- سیمبر، رضا؛ ستوده، علی‌اصغر، اسمعیلی، علی (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، "راهبرد روسیه در بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۴)"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۳۲۴-۳۰۹
- شامیری شکفتی، افشین؛ شاهنده، بهزاد؛ احمد سلطانی نژاد، و محسن اسلامی (پاییز ۱۳۹۷)، "تبیین جایگاه قدرت هوشمند در سیاست خارجی چین"، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره ۵۱، صص ۶۲-۳۱
- شهریاری، محمدعلی؛ اسماعیل شفیع و نقیسه واعظ (زمستان ۱۳۹۵)، «مطالعات سیاست خارجی ایران و عربستان در سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۰.
- فتاحی اردکانی، حسین (زمستان ۱۳۹۸)، "تبیین عناصر و مؤلفه‌های قدرت هوشمند حزب‌الله لبنان"، *فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۲۳، صص ۱۵۰-۱۲۷
- کریم‌خانی، احد (تابستان ۱۳۹۵)، "بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵)"، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)*، سال پانزدهم، شماره ۸۱، صص ۱۱۰-۷۳.

هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۸)، قدرت هوشمند در روندهای سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۹-۲۰۱۴)، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۸۸-۱۵۹

- Aljazeera. (2018, sep 25). Retrieved from Russian decision to deploy S-300 in Syria 'a major mistake': US: <https://www.aljazeera.com/news/2018/9/25/russian-decision-to-deploy-s-300-in-syria-a-major-mistake-us>
- Altaqi, S. (2019, jan 21). Retrieved from The many paths to Syrian-Israeli reconciliation: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/the-many-paths-to-syrian-israeli-reconciliation/>
- Benammar, E. (2013, sep 06). Retrieved from Syria conflict: Why is Russia's president Vladimir Putin supporting Bashar al-Assad's regime?: <https://www.abc.net.au/news/2013-09-06/why-is-russia-supporting-assad3f/4937028>
- Borshchevskaya, A., Wajeeh, R., Rakov, D., & Sim, L.-C. (2021, APR 21). Retrieved from Russia in the Middle East: A source of stability or a pot-stirrer?: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/russia-in-the-middle-east-a-source-of-stability-or-a-pot-stirrer/>
- Boulegue, M., & Polyakova, A. (2021, jan 29). Retrieved from The Evolution of Russian Hybrid Warfare: Executive Summary: <https://cepa.org/the-evolution-of-russian-hybrid-warfare-introduction/>
- Daskalova, Ana (2015). Problem or Solution? Russia's Role in the Nagorno-Karabakh Conflict, 19 Oct. HYPERLINK "<https://www.e-ir.info/2015/10/19/problem-or-solution-russias-role-in-the-nagorno-karabakh-conflict/>" <https://www.e-ir.info/2015/10/19/problem-or-solution-russias-role-in-the-nagorno-karabakh-conflict/>
- Fatthi, Mohammadjavad and others(2016); Russia and the Syrian crisis management, Tehran: First international conference of crises in the Islamic world, [in Persian]
- Jones, S., Harrington, n., & Bermudez, J. (2019, JULY 19). Dangerous Liaisons: Russian Cooperation with Iran in Syria. pp. 1-2. Retrieved from Dangerous Liaisons: Russian Cooperation with Iran in Syria: file:///D:/%D8%A7%D8%B6%D8%A7%D9%81%D8%A7%D8%AA/190718_JonesHarringtonBermudez_RussiaIran_layout_FINAL_v3.pdf
- Katz, M. (2021, MAY 25). Retrieved from Russia's Competing Policy Interests in Syria and the Middle East: <https://www.russiamatters.org/analysis/russias-competing-policy-interests-syria-and-middle-east>
- Khlebnikov, A. (2020, MARCH 26). Retrieved from Russia and Syrian Military Reform: Challenges and Opportunities: <https://carnegie-mec.org/2020/03/26/russia-and-syrian-military-reform-challenges-and-opportunities-pub-81154>
- Kofman, M., & Rojansky, M. (2018). What Kind of Victory for Russia in Syria? MILITARY REVIEW. Retrieved from

- <https://www.armyupress.army.mil/journals/military-review/english-edition-archives/march-april-2018/rojansky-victory-for-russia/>
- Lockie, A. (2016, OCT 12). Retrieved from Here's what would happen if US tried to strike Russian-backed targets in Syria: <https://www.businessinsider.com/what-would-happen-us-strike-russia-targets-syria-2016-10>
- Marcus, J. (2018, SEP 18). Retrieved from Russian plane deaths in Syria: What will be the consequences?: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-45564125>
- Nossel, Suzanne. (2004), Smart Power, Foreign Affairs”, Foreign Affairs , Foreign Affairs, March /April 2004, available at: HYPERLINK "https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2004-03-01/smart-power" <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2004-03-01/smart-power>
- Qoorbani, hamidreza(2016); - Large and big - scale terrorist groups in Syria, Tehran: Young Journalists Club (YJC), 2016/03/16 NO 5627664, [in Persian]
- Ramani, S. (2021, MARCH 26). Retrieved from Russia's growing ties with Iran-aligned militia groups: <https://www.mei.edu/publications/russias-growing-ties-iran-aligned-militia-groups>
- Robinson, J. (2021, jun 08). Retrieved from Five years of Russian aid in Syria proves Moscow is an unreliable partner: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/five-years-of-russian-aid-in-syria-proves-moscow-is-an-unreliable-partner/>
- Rumer, E. (2019). The Primakov (Not Gerasimov) Doctrine in Action. Carnegie Endowment for International Peace Publications Department, 16. Retrieved from <https://carnegieendowment.org/2019/06/05/primakov-not-gerasimov-doctrine-in-action-pub-79254>
- Saban, N. (2020, NOV 05). Retrieved from Factbox: Iranian influence and presence in Syria: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/factbox-iranian-influence-and-presence-in-syria/>
- SECRET-BASES. (2021, JUL 14). Retrieved from Russian military intervention in the Syrian civil war: https://www.secret-bases.co.uk/wiki/Russian_military_intervention_in_Syria
- Simons, G. (2021, APRIL 02). Retrieved from HARD AND SOFT POWER APPROACHES TO ARMED CONFLICTS: THE UNITED STATES IN IRAQ AND RUSSIA IN SYRIA: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/hard-and-soft-power-iraq-syria/>
- Thepaut, C., & Wilder, C. (2021, MAY 21). Retrieved from Expanding Humanitarian Assistance to Syrians: Two Deadlines Approaching: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/expanding-humanitarian-assistance-syrians-two-deadlines-approaching>
- UAAWIRE. (2020, JUN 07). Retrieved from Russia claims its air defense systems don't counter Israeli attacks in Syria for political reasons:

<https://uawire.org/russia-claims-its-air-defense-systems-don-t-counter-israeli-attacks-in-syria-for-political-reasons>

Yacoubian, M. (2021, FEB 16). Retrieved from What is Russia's Endgame in Syria?: <https://www.usip.org/publications/2021/02/what-russias-endgame-syria>

